

## نگرشی جامعه‌شناختی بر سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار در شوشتر

نصراله پورافکاری<sup>۱</sup>

### چکیده:

توسعه بومی یکی از موضوعات نو و جدیدی در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی هر کشوری است که سعی می‌کند در اهداف کوتاه مدت و بلند مدت در اولویت قرار بگیرد. بازسازی جوامع، توسعه تولید، افزایش تکنولوژی کاربردی، پیوند کار آفرینی با نظارت محیطی و تعادل بیشتر روش زندگی با طبیعت در کنار هم؛ سبکی از توسعه پایدار است که به حفظ منابع کمیاب اعم از طبیعی یا انسانی، رشد کمی و کیفی تولیدات اعم از صنفی، کشاورزی و خدماتی و بهبود شرایط فرهنگی، اجتماعی منجر می‌شود. توسعه بومی و توسعه پایدار طی دهه‌های اخیر به تدریج به پارادایم نوین و مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه‌ریزی تبدیل شده است. برنامه‌های توسعه محور در ایران برنامه‌ای همسان نبوده و متأثر از متغیرهای مختلفی بوده، همچنین این روند در بعضی استان‌ها از مقبولیت بسیاری

برخوردار است و در بعضی مناطق، توسعه نتوانسته جوابگوی مسایل بومی این نواحی باشد، از آن جمله می‌توان به شهرستان شوشتر اشاره کرد. در این بررسی شوشتر و میزان سرمایه اجتماعی آن از ابعاد مختلف توسعه بررسی شده است. در این پژوهش با روش پیمایشی روایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه و تأیید شده است. براساس یافته‌های تحقیق رابطه معنی‌داری بین متغیرهای، سرمایه اجتماعی ( $r=0/41$ )، تحصیلات ( $r=0/69$ )، درآمد ( $r=0/51$ ) سن ( $r=0/14$ ) و مشارکت اجتماعی ( $r=0/33$ ) با تمایل به توسعه پایدار در شوشتر وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه بومی، سرمایه اجتماعی، برنامه‌های توسعه محور، سنت‌گرایی، پیشرفت، شوشتر، تحصیلات.

#### مقدمه:

تخریب و انهدام‌های ناشی از جنگ جهانی دوم، بخش وسیعی از اروپا و آسیای جنوب شرقی را در پی داشت و احیای سریع مناطق تخریب شده در اولویت برنامه‌های جهانی قرار گرفت. از طرف دیگر، بسیاری از کشورها که سال‌ها زیر ستم استعمار بیگانگان بودند، سر به شورش نهاده و مبارزات حق طلبانه خود را جهت کسب آزادی آغاز نمودند. بانک‌های جهانی جنگ زدگان و کشورهای آزاد شده را یاری نمودند، اما اکثراً در ابتدا به علت آن که برنامه‌ای که بتواند سریع آنها را به توسعه برساند، در اختیار نداشتند و اضطراراً تا سال ۶۰ بیشتر از برنامه‌ها و الگوهای رایج استفاده می‌کردند. از سال ۱۳۶۰ به بعد مفهوم توسعه جهان را تکان داد. همه کشورها برای آن که در طبقه‌بندی توسعه، در ردیف توسعه نیافتگان قرار نگیرند، آخرین تلاش خود را در بهبود وضع معیشتی و رفاهی مردم مبذول داشتند. اکثر مجریان برنامه‌ها از چهارچوب آنچه رشد، یا رفاه عنوان می‌شد، اطلاعات کافی نداشتند و درهاله‌ای از هیجان تعالی و احیاء قرار داشتند که راهی برای قرار گرفتن در مسیر آن پیدا کنند. بعد از سال‌ها همانگونه که ملاحظه می‌شود عده‌ای با تلاش‌ها و مدیریت‌های لازم ارتقا یافتند، ولی از

توسعه واقعی فاصله زیادی داشته‌اند. توشیدو دوکو<sup>۱</sup> یکی از بنیانگذاران ژاپن امروزی می‌گوید: ما نه هیچ منبعی طبیعی داریم و نه منبع قدرت نظامی، فقط یک منبع در اختیار داریم: ظرفیت ابداع مغزهایمان و این منبع پایان ناپذیر است، باید آن را بسط داد، تربیت کرد، تمرین داد و مجهز ساخت. این قدرت رفاهی خواه ناخواه در یک آینده نزدیک گرانبهارترین و خلاق‌ترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود (سرکارانی، ۱۳۷۳: ۳).

همچنین توسعه و رشد به مفهوم عمومی آن که در غرب متداول بود، عوارض زیست محیطی به دنبال آورد که در بخش‌های از جهان ادامه توسعه را غیر ممکن می‌ساخت. تخریب منابع آبی و آلودگی بیش از حد آن، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و زباله در شهرها و چگونگی دفع زباله‌های اتمی از جمله مسائلی بود که در گزارش "آینده مشترک ما" در سال ۱۹۸۷ مطرح شد. در این گزارش که توسط کمیسیون جهانی توسعه پایدار برای سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه تهیه شده بود، برای اولین بار اصطلاح توسعه پایدار وارد ادبیات زیست محیطی و پس از آن وارد ادبیات اقتصادی شد (مکنون، ۱۳۷۶: ۵).

### مفهوم توسعه پایدار

اصطلاح توسعه پایدار از طریق گزارش برانت لند "آینده مشترک ما" مشهور گردید، این گزارش به وسیله کمیسیون جهانی درباره محیط زیست و توسعه مهم شد و تا آنجا که برای اولین بار چنین ابتکاری دانشمندان علوم اجتماعی را نیز در بر می‌گرفت. پیش از آن اقتصاددانان نیز توجه اندکی به ملاحظات زیست محیطی در کشورهای کمتر توسعه یافته داشتند، اما تمایل اندکی به جنبه‌های محیط زیست به عنوان موضوع اصلی در توسعه اقتصادی داشتند (مفرت، ۱۳۷۶: ۲۸۱).

فدریکو مایر، دبیر کل پیشین یونسکو، در پیامی به اجلاس مجمع سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۹۷ بر سه رکن آموزش، دموکراسی و صلح به عنوان کلیدهای توسعه پایدار تأکید کرد

و از جمله یادآور شد که کلید توسعه پایدار، آموزش است. آموزشی که از طریق ابزار و تکنولوژی‌های جدید به کلیه اعضای جامعه گسترش یابد و بتواند فرصت‌های آموزشی را در طول عمر برای همگان تضمین نماید. به طور کلی، گسترش صنایع، خدمات، به وجود آمدن کلان شهرها، افزایش جمعیت و تأمین نیازمندی‌های پایه‌ای انسانی، به معنی از میان رفتن بخشی از منابع تجدید نشدنی است و این امر منافع، ظرفیت‌ها و توانایی‌های نسل فردا را سخت به خطر می‌اندازد. پس توسعه پایدار توسعه‌ای است که عدالت واقعی را در استفاده از استعدادهای بالقوه و بالفعل برای فرزندان آینده کشور معمول دارد و نیز می‌توان گفت توسعه پایدار یعنی استمرار توسعه و پیشرفت در یک جامعه، به نحوی که منافع مادی و معنوی متعلق به نسل‌های بعدی را نابود نسازند (قراگرزلو، ۱۳۷۹: ۳۹).

توسعه پایدار فرایندی است که در آن سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعت و سایر سیاست‌ها به نحوی طراحی می‌شوند که موجب توسعه‌ای است که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی پایدار است و مفهوم آن انجام سرمایه‌گذاری کافی در زمینه آموزش، بهداشت، محیط و انرژی است، به طوری که بدهی اجتماعی برای نسل آینده بوجود نیاید (پرانک و همکاران، ۱۳۸۰: ۸۷).

بسیاری عقیده دارند که توسعه ابتدا باید در ذهن انسان‌ها شکل بگیرد و در غیر این صورت توسعه‌ای صورت نخواهد گرفت. راه رسیدن به این هدف، مستلزم داشتن آموزش‌های لازم است. در حقیقت آموزش و پرورش اساسی‌ترین نقش‌ها را در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق ایجاد محیط و فرهنگ مناسب برای توسعه و تربیت نیروی انسانی ماهر و ایجاد شیوه‌های مدرن کسب، انتقال، گسترش توسعه دانش فنی و نظری در جهان توسعه یافته ایفا می‌کند. عده‌ای دیگر توسعه را در آزادی جستجو می‌کنند، یعنی برای توسعه ابتدا محیطی آزاد مورد نیاز است تا با ابراز عقاید، از تضارب عقاید فایده‌تی حاصل آید. مسلّم است که شکوفایی ذهن‌ها در بستر محیطی آزاد، می‌تواند میسر باشد. همچنین شناخت تغییرات به ویژه شرایط محیطی در مراحل توسعه، بسیار مهم می‌نماید، زیرا هر نوع سیاست‌گذاری با هدف ایجاد تغییرات در جهت مطلوب، باید با توجه به این امر و آگاهی صورت گیرد که درجه اهمیت عوامل مختلف شرایط محیطی، در طول زمان تغییر می‌کند.

بنابراین، مهمترین عواملی که روند توسعه در یک کشور را تعیین می‌کنند منابع انسانی و سرمایه انسانی است، نه سرمایه و منابع مادی. با این وصف، می‌توان عنوان کرد مکانیزم اصلی و نهادی برای بالابردن دانش و آگاهی؛ نظام آموزشی هر کشور است. اغلب کشورهای جهان سوم رمز اصلی توسعه ملی را در گسترش کمی فرصت‌های آموزشی می‌دانند، ولی به نظر بسیاری از دانشمندان علیرغم تأکید زیاد کشورهای جهان سوم به گسترش کمی نظام آموزش همگانی و صرف میلیاردها دلار هزینه آموزشی چندان مفید فایده نبوده و وضع و حال آنان بهبود نیافته است (جوان، ۱۳۸۳: ۳۲)، لذا منابع انسانی به عنوان عنصری هوشمند مورد توجه است که با مهارت و خلاقیت خود نقش اساسی در سیستم آموزشی ایفا می‌کند. تجزیه و تحلیل منابع بدست آمده نشان دهنده این است که آموزش‌های پایه‌ای و کوتاه مدت مکمل یکدیگرند. بنابراین تصور اینکه آموزش‌های کوتاه مدت می‌تواند جایگزین آموزش‌های پایه‌ای شود تصوری گمراه کننده خواهد بود. آموزش‌های کوتاه مدت نمی‌تواند کمبودهای احتمالی آموزش‌های دوره ابتدایی را جبران کند، لذا سیاست آموزشی‌های مهارتی باید عنصری اصلی در مجموعه سیاست‌های توسعه تلقی شود و همزمان و موازی با سایر سیاست‌های اقتصادی به خصوص اشتغال پیش رود (کلود شتلند و ژان، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

نهایتاً توسعه دارای شاخص‌های بسیار متعددی است که بحث بر سر تک تک آنها به درازا می‌کشد. می‌توان گفت هر توسعه‌ای نیازمند توجه به عناصر مولد آفرینندگی و خلاقیت‌های درون‌زا و مبارزه پی‌گیر، با خرده فرهنگ‌های منحنط، مبتذل و تنبل پرور است که در تضاد واقعی با بینش، تفکر و باورهای علمی قرار دارند. همانطور که توسعه بهنجار، موجد و ابقا کننده غرور مذهبی و هم ملی است (سهراب زاده، ۱۳۷۳: ۳۹).

توسعه بومی و توسعه پایدار طی دهه‌های اخیر به تدریج به پارادایم نوین و مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه ریزی تبدیل شده است. این پارادایم اگرچه ناظر به برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگون است، اما در مجموع بر «پایداری» و استمرار توسعه برای همگان و نسل‌های آینده طی زمان و بر همه جانبه نگری ابعاد پیچیده اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فرآیند توسعه در سطح یک کشور یا شهر تأکید دارد (رهنمایی، ۱۳۸۵: ۱).

از دهه ۶۰ به بعد، بیشتر تفکرات اندیشمندان بر محور توسعه و توسعه نیافتگی بوده است و در نتیجه نظریه‌های گوناگونی جهت شکل‌گیری و دریافت رفاه و آسایش بشر به وجود آمده است. امروزه کشوری نیست که برنامه‌های ویژه‌ای را در مورد توسعه تجربه نکرده باشد و هنوز هم می‌توان گفت علیرغم آنکه بسیاری از شاخص‌های توسعه مشخص گردیده است، اما دستیابی واقعی به آن، با توجه به امکانات و یا استعدادهای بالقوه و بالفعل، با اشکالات و ابهاماتی روبرو است که ایران نیز از این تجربه، بی‌نصیب نبوده است. امروزه مسأله پیچیده و گسترده‌تر شده و تنها توسعه اقتصادی غالب منظور نظر نیست. بلکه توسعه فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و از همه مهمتر سیاسی به آن علاوه شده و مسأله را چند بعدی نموده است.

شوشتر نیز با توجه به امکانات موجود مسیر رو به رشدی دارد، اما عوامل بازدارنده این رشد و توسعه در این شهر بسیار است، گرچه در پژوهش‌هایی بارها به این مسأله پرداخته شده است، اما بدون انجام پژوهش‌هایی متنوع در این زمینه توسعه همه‌جانبه مقدور نمی‌گردد. شوشتر از مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی رنج می‌برد و با نگرش به میزان مرگ و میر کودکان و سرقت و دزدی و اعتیاد، بیکاری این مسأله دقیقاً تأیید می‌گردد. اما از میان این همه مسائل به نظر می‌رسد مطالعات توسعه می‌تواند اکثر این مسایل را در برگیرد و آنها را برای دستیابی به موقعیتی مطلوب پوشش دهد و توسعه را از ابعاد مختلف در این شهر مورد توجه قرار داده و به زوایا و گوشه‌های نامطلوب آن پی‌برد.

### ابعاد اجتماعی و فرهنگی توسعه پایدار

مفهوم توسعه رشته‌ای از متغیرهای کم و بیش خطی و تکاملی تلقی می‌شود که شیوه‌های ابتدایی را به سوی اشکال دیگری از پیچیدگی و تجربه‌های سخت زندگی با کمک پیشرفت‌های تکنولوژیکی به طرف زندگی راحت‌تر سوق می‌دهد. این روند معرفتی نسبتاً جدید است، زیرا چنین اندیشه‌ای در سده‌های میانه وجود نداشت و انگهی توسعه که مفهومی بسیار غربی دارد با فرایند نوین صنعتی شدن به گونه‌ای تنگاتنگ در ارتباط است، زیرا به برکت تولید پیاپی و انبوه و ارتباط‌های فراوان، سطح زندگی بسیاری از مردم ارتقا یافته است در بیشتر کشورهای جهان سوم درست مانند کشورهای اروپایی چند صد سال پیش، سنن

فرهنگی حتی نسبت به مفهوم توسعه بیگانه‌اند. هدف نهایی هر پژوهشی، توسعه انسان است و توسعه انسانی را فرایندی می‌دانند که امکان آزادی شغل، دخالت در سر نوشت خویش، بهره‌مندی از امکان عمر طولانی، بهداشت و سلامتی، آموزش، آرامش، و آسایش و امنیت را برای آدمی فراهم سازد. مسأله تاثیر فرهنگی توسعه با کنش‌های متقابل ارتباط تنگاتنگی دارد (محلای، ۱۳۷۸: ۳). ناگفته پیداست که توسعه در گذشته اساساً بر رشد اقتصادی، پایه‌گذاری شده است، در حالی که توسعه، روندی است جامع و فراگیر که تمامی وجوه زندگی انسان را در بر می‌گیرد. از این جهت توسعه واقعی، توسعه‌ای است متوازن که در آن حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به صورت اجزای به هم پیوسته در یک کل، به گونه‌ای همزمان تحول می‌یابد (هریسون، ۱۳۷۶: ۱). حال، برنامه‌ریزی فرهنگی به عنوان عامل حفظ هویت قومی و عقیدتی و یکی از مهمترین تمهیدات در فرهنگ و راهی برای رسیدن به توسعه پایدار قلمداد می‌شود، با کلیه امور و شاخص‌هایی که ما را در رسیدن به یک برنامه‌ریزی فرهنگی صحیح هدایت می‌کند، مورد بررسی قرار گیرد. امروزه مهمترین شاخص‌های توسعه فرهنگی در هر کشوری، دسترسی جمعیت آن کشور به کتاب، نسبت کتاب، تعداد کانون‌های فرهنگی، سینماها و آموزشگاه‌ها و سایر کانون‌های فرهنگی به جمعیت است. چون که یک سوم از اوقات شبانه روز را اوقات فراغت هر فرد تشکیل می‌دهد. با ساماندهی این موارد می‌توان تاثیرات بسیار مثبت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در آن جامعه مشاهده نمود. بنابراین مشکل توسعه پایدار نه کمبود نظریه‌های توسعه است و نقصان برنامه‌های توسعه، بلکه عوامل بسیار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در توسعه نیافتگی این کشورها تاثیر به‌سزایی داشته است (نراقی، ۱۳۷۰: ۱۵).

پذیرش مفهوم جدید توسعه و تلاش در جهت تحقق آن، قبول ویژگی‌های عصر عقلانیت و خردورزی است و در آن کنش منطقی، حسابگری و برنامه‌ریزی نهفته است. برای تنظیم روند هر نوع توسعه لازم است که بین اهداف و وسایل دستیابی به آنها، هماهنگی ایجاد شود و از تمامی امکانات طبیعی و انسانی بالقوه به صورتی مطلوب و حساب شده بهره‌برداری شود (هریسون، ۱۳۷۶: ۱).

## چشم انداز نظری توسعه

توسعه جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی- اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عمومی مردم است (ازکیا، ۱۳۸۱، ۷) با توجه به مفهوم فراگیر توسعه می‌توان گفت دستیابی به آن منوط به موقعیت توأمان در زمینه‌های همچون: رشد چشمگیر اقتصادی، برخورداری از دانش فنی قابل توجه، برقراری تعادل مکانی- فضایی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی، دستیابی به رفاه اجتماعی، اقتصادی و تعالی فرهنگی افراد و گروه‌ها و تکاپو در جهت مدرن‌سازی مداوم جامعه و بهبود روابط اجتماعی و اقتصادی است (سعیدی، ۱۳۷۷، ۱۵۵).

چنین به نظر می‌رسد که توسعه پایدار حمایت وسیع و گسترده‌ای را که مفاهیم اولیه توسعه (مثل توسعه منابع زیست محیطی) دارا نبودند، به دست آورده و به صورت الگویی برای توسعه در سال‌های پایانی قرن بیستم بیان شده است، تا جایی که به صورت یک عبارت متداول و مرسوم در آمده که هر کس در برابر آن اظهار کرنش می‌کند، بدون اینکه در صدد تعریف دقیق آن برآید. البته کسانی هم هستند که بر این عقیده‌اند که نباید این مفهوم را به طور دقیق تعریف کرد، چرا که ارزش اصطلاح توسعه پایدار تا حدی در ابهام کلی آن نهفته است (سلامی، ۱۳۷۶: ۴۴).

## سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی

کلمن<sup>۱</sup> (۱۳۷۷) معتقد است سرمایه اجتماعی، به نوبه خود، هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌هایی دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. به طور کلی، سرمایه اجتماعی محصول تعاملات اجتماعی با قابلیت کمک به بهزیستی اجتماعی، مدنی یا اقتصادی یک اجتماعی هدفمند و دارای هدف مشترک است. این تعاملات منابع دانش و هویت را ترسیم می‌کنند و همزمان از



گنجینه‌های سرمایه اجتماعی بهره برداری می‌کنند و آنها را می‌سازند. سرشت سرمایه اجتماعی به ابعاد کیفی تعاملاتی بستگی دارد که سرمایه اجتماعی در محدوده آنها تولید می‌شود. مانند کیفیت تعاملات بیرونی- درونی، تاریخی بودن، آینده گرایی، تقابل، اعتماد و ارزش‌های مشترک و هنجارها (فالک و کیلپاتریک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰).

به دیگر سخن، سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. سرمایه اجتماعی مجموعه نهادها، قوانین، روش‌ها، عادات اجتماعی و سنت‌ها و قواعد رفتاری غیر رسمی جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم یک جامعه را شکل می‌دهد (رنانی، ۱۳۸۱). منظور از سرمایه اجتماعی انسجام درونی فرهنگی و اجتماعی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات فی‌مابین مردم و نهادهایی است که این هنجارها و ارزش‌ها در آن تعبیه می‌شوند. سرمایه اجتماعی به منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند و بدون آن هیچ رشد اقتصادی یا بهزیستی انسانی میسر نمی‌شود (فاین، ۲۰۰۳).

پس آن چه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم در بردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه است. به نحوی که، سرمایه اجتماعی، سبب می‌شود گروه به سمت ارزش‌ها و هنجارهای تحسین و مثبت شده در جامعه گام بردارد.

بر حسب اصطلاحات صرف اقتصادی و تفکرات اقتصاددانان کلاسیک، توسعه به معنای توانایی اقتصاد ملی برای ایجاد تداوم و رشد سالانه تولید ناخالص ملی با نرخ‌های ۵ تا ۷ درصد و بیشتر بوده است. اما تجربه دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰، هنگامی که تعداد بسیاری از کشورهای جهان سوم در مجموع با هدف‌های رشد سازمان ملل دست یافتند، ولی سطح زندگی توده‌های مردم در اکثر زمینه‌ها بدون تغییر باقی ماند، نشان داد که نواقص بسیاری در تعریف گذشته از توسعه وجود دارد. کیندل برگر اعتقاد دارد که رشد اقتصادی به معنای تولید بیشتر است در حالی که توسعه اقتصادی شامل تولید بیشتر و تغییرات در نحوه سازمان تولید نیز خواهد بود

(قره‌باغیان، ۱۳۷۲). توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. میسرا اعتقاد دارد که توسعه یعنی تحول جامعه از حالتی به حالت دیگر به نحوی که جامعه مورد نظر ادراک بهتری از محیط خویش بدست آورده و کنترل بر آن اعمال نماید (میسرا، ۱۳۶۸). توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموع نظام‌های اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می‌یابد. منظور از زندگی بهتر در این جمله از نظر تودارو (۱۳۸۲) شامل سه بعد می‌شود: ۱- امکان دسترسی به کالاهای تداوم بخش زندگی مانند غذا، مسکن و اشتغال؛ ۲- افزایش سطح زندگی از جمله بهداشت و آموزش و پرورش بالاتر و ۳- گسترش دامنه انتخاب اقتصادی و اجتماعی.

نظریه توسعه پایدار توجه به مسایل زیست محیطی پس از تشدید فعالیت‌های آلوده کننده در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰ آغاز شد. در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم به برگزاری کنفرانس بین‌المللی محیط زیست گرفت. به دنبال آن اولین کنفرانس جهان در ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد حاصل کار کنفرانس، صدور بیانیه محیط زیست انسانی و برنامه عملی و ۱۰۶ توصیه‌نامه بوده که در تمام آنها وابستگی انسان به محیط زیست و چگونگی شکل دهی آن بیان شده است. نتیجه این کنفرانس تاسیس کمیته محیط زیست بود که این کمیته به ریاست برات لند مسایل و برنامه‌های زیست محیطی جهان را بررسی و در سال ۱۹۸۷ گزارش آینده مشترک ما را به سازمان ملل متحد ارائه کرد. برات لند واژه توسعه پایدار را برای اولین بار و به طور رسمی در این گزارش مطرح کرد (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۷). در گزارش آینده مشترک ما درباره توسعه پایدار چنین آمده است؛ این نوع از توسعه نیازهای نسل فعلی را بدون آسیب رساندن به ظرفیت‌های آینده که به نسل آتی متعلق است پاسخگوست (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۹۳). در دسامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جواب به گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، برگزاری کنفرانس محیط زیست و توسعه را برای سال ۱۹۹۲ به تصویب رساند و در ژوئن ۱۹۹۲ کنفرانسی با حضور سران کشورها در ریو (برزیل)

برگزار شد. این کنفرانس که کنفرانس زمین نامیده شد به ارزیابی فعالیت‌های بیست ساله بین‌المللی و ملی در زمینه زیست محیطی پرداخت دستاورد این نظریه توسعه پایدار است (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۷).

تا دهه ۹۰ عمده نظریه‌های توسعه دیدگاه‌هایی سطحی نگر و حتی متناقض درباره نقش روابط اجتماعی در توسعه اقتصادی داشتند و توصیه‌های سیاستی آن‌ها چندان قابل استفاده نبود. البته این دیدگاه‌ها، در دهه ۱۹۷۰ جای خود را به نظریه‌های وابستگی و نظام جهانی داد. اینان معتقد بودند که روابط اجتماعی در بین نخبگان حقوقی و سیاسی، ساز و کار اصلی استثمار توسط سرمایه‌داران است. در این بین دیدگاه‌هایی همچون دیدگاه اجتماع‌گرایی<sup>۱</sup> نیز وجود داشتند که بر سودمندی و خودکفایی اجتماعات تاکید داشتند و جنبه‌های منفی تعهدات گروهی را دست کم می‌گرفتند و اهمیت روابط اجتماعی در ساختن نهادهای رسمی موثر و پاسخگو را نادیده می‌گرفتند. اما پس از زمانی که واژه سرمایه اجتماعی وارد مباحث اقتصادی شد، اقتصاددانان کوشیدند تا با تبیین روابط متقابل بین سرمایه اجتماعی و سایر متغیرهای کلان اقتصادی، نشان دهند که سرمایه اجتماعی و روابط مبتنی بر اعتماد، چگونه می‌توانند بر روی اقتصاد تاثیر بگذارد. کلمن (۱۹۸۸) که از سرمایه اجتماعی یک تعریف کارکردی ارائه داده است، تاثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه اقتصادی را از طریق سرمایه انسانی و توسعه سیاسی می‌داند. به اعتقاد وی تاثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه اقتصادی مستقیم نیست، بلکه سرمایه اجتماعی ابتدا سبب تولید سرمایه انسانی و توسعه سیاسی شده و سپس از طریق این دو، سرمایه اقتصادی را ایجاد می‌کند. فوکویاما (۱۹۹۷) تاثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه‌های اقتصادی را از طریق نظم اجتماعی حاصله از نظام هنجارها و نظم اخلاقی که سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند، می‌داند. به اعتقاد وی سرمایه اجتماعی، نظامی از ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی را فراهم می‌سازد که به واسطه آن جامعه از فروپاشی اخلاقی و مبتلا شدن به انواع انحرافات اجتماعی مصون می‌ماند و بدین ترتیب سلامت اجتماعی جامعه سبب رشد اقتصادی خواهد شد. پاتنام نیز معتقد است که موفقیت‌های اقتصادی در جوامع دارای روابط خوب، بهتر از جوامعی با روابط

ضعیف است (پاتنام، ۱۹۹۳). در بین نظرات مختلف اقتصاددانان اجتماعی برای نشان دادن رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، چهار دیدگاه بارز وجود دارد: ۱- دیدگاه اجتماع گرایی که اعتقاد دارند سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه اقتصادی خواهد داشت. به عبارت دیگر، طرفداران این نظریه تنها به بیان نقاط قوت سرمایه اجتماعی می‌پردازند و از نقاط ضعف آن چشم‌پوشی می‌کنند؛ ۲- دیدگاه شبکه‌ای، که هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه اجتماعی را در نظر می‌گیرد. اهمیت پیوندهای عمودی و همچنین پیوندهای افقی در بین مردم و روابط درونی فی مابین این قبیل هویت‌های سازمانی به عنوان گروه‌ها و بنگاه‌ها مورد تاکید قرار می‌گیرند؛ ۳- دیدگاه نهادی، این دیدگاه مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. طرفداران دیدگاه نهادی هم چنین تاکید می‌کنند که چگونگی عملکرد دولت‌ها و بنگاه‌ها نیز به نوبه خود وابسته انسجام درونی، اعتبار و صلاحیت درونی خودشان از یک سو و پاسخگویی آنها در برابر جامعه مدنی از سوی دیگر است؛ ۴- دیدگاه همیاری: این دیدگاه می‌کوشد آثار قوی دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کند. اگر چه طرفداران دیدگاه همیاری پیشینه‌های فکری خود را به آثار مقدم‌تر در زمینه اقتصاد سیاسی تطبیقی و مردم‌شناسی ربط می‌دهند.

### پیشینه پژوهش

امروزه بسیاری از اندیشمندان و نظریه پردازان توسعه در مناطق مختلف، ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح را برای رسیدن به توسعه پایدار مطرح می‌کنند و معتقدند که توسعه به این دلیل بوجود می‌آید که بهترین شرایط و امکانات را برای آن در جوامع مهیا شود. در این زمینه مطالعاتی به صورت سطح بندی توسعه یافتگی در بخش‌های مختلف اعم از بخش کشاورزی، صنعت، آموزش و... در مقیاس‌های مختلف مکانی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر که منابعی نزدیک به موضوع پژوهش هستند، اشاره کرد.

آهنگری و سعادت مهر (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان مطالعه تطبیقی سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، با استفاده از ۹۰ شاخص که ۲۲ شاخص آن مربوط به بخش کشاورزی بود پرداختند و نشان دادند که در استان لرستان شهرستان‌های خرم‌آباد، الیگودرز، کوهدشت و دلفان در بخش کشاورزی وضعیت توسعه نیافته‌ایی دارند.

صادقی ده چشمه (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی مسأله اجتماعی - فرهنگی توسعه در شهرستان فارسان به بررسی عوامل بازدارنده اجتماعی و فرهنگی توسعه پرداخته است. وی به وسیله آزمون‌های آماری نظیر ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چند متغیر، به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته است. نتایج گویای وجود رابطه معنادار بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و عدم توسعه در این شهر است. همچنین در این منطقه، باید دیدگاه‌ها و بینش‌های منفی که در جامعه به فراوانی مشاهده می‌گردد، اصلاح گردد و به منطقه، ابزار عقلانیت، انتقاد، شادی، و از همه مهمتر توجه به امور دنیایی و بالاخص سایه روش‌هایی از مدرنیته تزریق گردد.

فدریک و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)، در بررسی ارتباط بین رشد و توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی به دنبال پاسخی برای سه پرسش هستند: «آیا سرمایه اجتماعی برای توسعه اقتصادی اهمیت دارد؟ آیا برای تمام مراحل توسعه اقتصادی، یک گونه یکسان از سرمایه اجتماعی مناسب است؟ و آیا همیشه سرمایه اجتماعی بیشتر بهتر است؟» آنها در تحلیل خود نتیجه‌گیری کردند تمام اشکال سرمایه اجتماعی با یکدیگر برابر نیستند و مطمئناً برخی از اشکال سرمایه اجتماعی به منظور توسعه اقتصادی، مناسب‌تر از اشکال دیگر آن هستند. آنها معتقدند که اعتماد اجتماعی، همکاری و برقراری ارتباط را تسهیل می‌نماید و از این رو معضلات فعالیت‌های جمعی را کاهش داده و محرک‌های فرصت‌طلبی را کم می‌کند. نتیجه این است که، جوامعی که در دراز مدت، دارای میزان زیاد سرمایه اجتماعی بوده‌اند، نسبت به جوامعی که دارای سطح پایینی از اعتماد اجتماعی بوده‌اند، به موفقیت‌های بیشتری در زمینه اقتصادی و

1 Fedderke et al.

اجتماعی دست یافته‌اند.

پرانک و همکاران (۱۳۸۰) در پژوهشی توسعه پایدار فرایندی می‌دانند که در آن سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعت و سایر سیاست‌ها به نحوی طراحی می‌شوند که موجز توسعه‌ای است که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی پایدار است و مفهوم آن انجام سرمایه‌گذاری کافی در زمینه آموزش، بهداشت، محیط و انرژی است، به طوری که بدهی اجتماعی برای نسل آینده بوجود نیاید.

فرانکوئیس<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در کتاب خود با عنوان «سرمایه اجتماعی و توسعه» اعتماد متقابل و همکاری افراد را به عنوان معیاری برای مدل کردن ارتباط بین سرمایه اجتماعی و متغیرهای اقتصادی در نظر گرفته است. به این منظور افراد به طور کلی به دو دسته کارآفرین یعنی اشخاصی که ریسک‌پذیر هستند و پیمانکاران یعنی اشخاصی که ریسک‌گریزند، ولی در انجام فعالیت‌های اقتصادی با کارآفرینان همکاری می‌کنند، تقسیم شده‌اند. سپس با معرفی متغیری به عنوان، درجه قابلیت اعتماد پیمانکاران، اثرات آنرا بر روی توابع ترجیحات کارآفرینان بررسی نموده و به این وسیله به بررسی نقش اعتماد در توسعه اقتصادی پرداخته است.

عرب مازار و همکاران، (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان بررسی اثر تغییر ساختار سنی جمعیت بر رشد و توسعه اقتصادی عنوان می‌کنند که رسیدن به رشد بالا و توسعه بهتر اقتصادی از جمله اهداف مهمی است که همه اقتصادها در پی دستیابی به آن هستند، اما دستیابی به نرخ بالای رشد اقتصادی نیازمند شناخت عوامل و امکانات بالقوه و به کارگیری درست آنها است. تغییر ساختار سنی جمعیت که در نتیجه تغییر نرخ رشد جمعیت به وجود می‌آید، می‌تواند اثرات مهم و تعیین‌کننده بر رشد اقتصادی و توسعه پایدار داشته باشد. تغییر ساختار سنی جمعیت از راه‌های مختلف بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از یک طرف با تغییر سهم جمعیت در سن کار از کل جمعیت، بازار نیروی کار را متأثر می‌کند و از طرف دیگر، بر اساس نظریه چرخه زندگی مصرف و در نتیجه پس انداز و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

گروتاерт و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در مطالعه خود تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در

1 François

2 Grootaer

توسعه» بیان می‌کند که مطالعات مقطعی بین کشوری حاکی از ارتباط قوی بین اعتماد و رشد است. این نتیجه موجب تقویت یافته‌های قبلی شد که حتی در کوتاه مدت بین اعتماد و رشد رابطه معناداری وجود دارد. در سطح روستاها مطالعات نشان می‌دهد که صداقت، وفاداری و همیاری در بین مردم فقیر زیاد است و بسیاری از کاستی‌ها را پوشش می‌دهد. همچنین آنها اشاره می‌کنند که یکی از مطالعاتی که در سطح خانواده صورت گرفته است، نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی احتمال فقیر بودن یک خانواده فقیر را ۷.۳۶ درصد کاهش و در مقابل احتمال ثروتمند شدن را در بین ثروتمندان فقط ۴ درصد افزایش می‌دهد.

آنچورنا و همکاران (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان شبکه‌های اجتماعی و توسعه اقتصادی» با بهره‌گیری از مدل تعادل عمومی به بررسی تاثیر شبکه‌های اجتماعی (شاخصی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی) روی توسعه اقتصادی ۲۷ کشور پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که ۱- ناهمسانی در تعداد گره‌های اجتماعی می‌تواند سبب ناهمسانی در درآمد سرانه کشورها شود. ۲- محاسبه انجام شده نشان داد که، کشورهای مورد مطالعه بدون وجود سرمایه اجتماعی تنها به ۱/۲ و ۳/۴ از میزان درآمد سرانه خود دست خواهند یافت. ۳- سرمایه اجتماعی می‌تواند کارایی سرمایه انسانی و یا بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد. ۴- آنها اعتقاد دارند که افزایش در بهره‌وری می‌تواند سبب کاهش رفاه شود و این زمانی اتفاق می‌افتد که شبکه‌های اجتماعی هماهنگ، با هم شکل نگیرد. ۵- گره‌های اجتماعی که نشان دهنده سرمایه اجتماعی هستند، می‌توانند سبب کاهش در هزینه مبادله شوند.

گلایبان (۱۹۷۷) تحقیقی در مورد توسعه نیافتگی روستاها و عشایر ایران در سال ۱۹۷۷ در استکهلم در رویال انستیتو انجام داده است. تحقیق از ابتدا دارای نقشه‌های بسیار مستدل در مورد ایران است. پژوهشگر در میان مناطق ایران ۳ منطقه رفسنجان، بیجار و سراب را انتخاب نموده است. مسایل و عوامل روستاهای این مناطق را از ابتدا؛ یعنی خاک، آب، تا مدرنیزاسیون و اصلاحات ارضی و اثرات آنها در توسعه بررسی نموده و حتی کارهای عملیاتی که در کشاورزی انجام می‌گیرد را دقیقاً به تصویر کشیده و مشکلات و عواقب آنها را متذکر شده و در نتیجه چنین اظهار نظر می‌کند: چون توسعه مطلوبی صورت نگرفته است، علل فراوانی را باید کاوید و اصلاح کرد.

## اهداف تحقیق

هر تحقیق یا پژوهش اجتماعی دارای دو هدف است؛ یا برای اهداف کلی است که معمولاً در پی بالا بردن سطح دانش، سطوح گسترش تفکر و استدلال و پیش بینی پدیده‌ها و دگرگونی در محیط است. هدف دوم آن نیز در رابطه با تئوری‌های موجود بررسی می‌شود، تا از یک سو به کمک آن تئوری ابعاد مسأله روشن تر شود و از سوی دیگر با آن بررسی بنیان اثباتی و تجربی تئوری تقویت شود. تحقیق حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر توسعه پایدار در شهرستان شوشتر با تأکید بر سرمایه اجتماعی در این شهر صورت گرفته است.

## روش شناسی و روش تحقیق

روش شناسی پژوهش در یک پژوهش علمی نقش اساسی دارد و پژوهشگر را در نیل به حقیقت و گریز از خطا یاری می‌دهد. دکارت روش را راهی می‌داند که به منظور دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۴). هر موضوعی نسبت به شرایط خود راهی را برای رسیدن به نتیجه و دستیابی به حقیقت موضوع طلب می‌کند. در این بررسی نیز بعد از تثبیت موضوع و متغیرهای لازم، از میان روش‌های مختلف به روش پیمایشی رو آوردیم. در علوم اجتماعی پژوهش با استفاده از دو رویکرد اصلی انجام می‌گیرد؛ یکی رویکردهای کمی است و دیگری رویکردهای کیفی است. از آنجا که در این تحقیق محقق بر اساس یک چهار چوب قاعده‌مند حرکت می‌کند، سعی در سنجش یک واقعیت معینی دارد، روی متغیرها متمرکز است و همچنین از بیرون یک جریان اجتماعی را مطالعه می‌کند، رویکرد مقتضی آن، رویکرد کمی است.

## فرضیات پژوهش

- فرضیه اول: بین میزان تحصیلات و تمایل به توسعه پایدار در شوشتر رابطه وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین سن افراد و تمایل به توسعه پایدار در شوشتر رابطه وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین سرمایه اجتماعی و تمایل به توسعه پایدار در شوشتر رابطه وجود دارد.



فرضیه چهارم: بین درآمد افراد و تمایل به توسعه پایدار در شوشتر رابطه وجود دارد.  
فرضیه پنجم: بین سطح مشارکت اجتماعی افراد و تمایل به توسعه پایدار در شوشتر رابطه وجود دارد.

## تجزیه و تحلیل اطلاعات

توسعه را با توجه به شرایط و امکانات محلی می‌توان به راه‌های متفاوتی بررسی کرد. در این تحقیق با توجه به اهدافی که قبلاً مشخص شده است، سعی شده روشی انتخاب شود که جامع بوده و بتواند از پراکندگی پیشگیری کرده و به واقعیت نزدیکتر باشد و بدان جهت دو روش اسنادی و پیمایشی انتخاب گردید. بخش اصلی تحقیق به طریق پیمایشی با تکنیک پرسشنامه انجام گرفت. پرسشنامه بعد از مطالعات اولیه و شرایط محیط، کتاب‌ها و تحقیقات انجام یافته و مصاحبه‌های ضروری با مسئولان شکل داده شده است و سؤالات طوری تنظیم شده است که بتواند جوابگوی روش‌های آمار توصیفی و استنباطی باشند. بنابراین نتایج تحقیق به صورت توصیفی، استنباطی و از طریق نرم‌افزار Spss 16 انجام گرفت. به منظور تبیین پاسخ‌های نمونه آماری و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی آزمون متناسب با سطح سنجش فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

## جامعه آماری:

جامعه آماری پژوهش را کلیه ساکنان ۱۵ تا ۶۰ ساله شهرستان شوشتر تشکیل می‌دهند که طبق آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ تعداد ۱۸۷۳۳۷ نفر بوده است که از این تعداد ۹۶۷۳۲ نفر از جمعیت در شهر شوشتر ساکن بوده است.

جدول شماره (۱) جمعیت جامعه آماری شهرستان شوشتر بر اساس آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵

جمعیت شهری شهرستان شوشتر			
زن	مرد	جمع	
۷۴۵	۷۵۰	۱۴۹۵	کمتر از یکساله
۳۵۶۹	۳۸۲۰	۷۳۸۹	۰-۴ ساله
۳۵۶۸	۳۸۶۴	۷۴۳۲	۵-۹ ساله
۴۴۱۸	۴۴۹۳	۸۹۱۱	۱۰-۱۴ ساله
۶۲۱۸	۶۴۷۵	۱۲۶۹۳	۱۵-۱۹ ساله
۷۱۵۷	۷۱۱۸	۱۴۲۷۵	۲۰-۲۴ ساله
۵۰۳۸	۴۸۴۸	۹۸۸۶	۲۵-۲۹ ساله
۳۶۹۷	۳۹۵۴	۷۶۵۱	۳۰-۳۴ ساله
۳۳۱۶	۳۵۹۲	۶۹۰۸	۳۵-۳۹ ساله
۲۵۶۴	۲۹۶۶	۵۵۳۰	۴۰-۴۴ ساله
۲۳۱۳	۲۶۰۶	۴۹۱۹	۴۵-۴۹ ساله
۱۶۸۹	۱۹۷۸	۳۶۶۷	۵۰-۵۴ ساله
۱۰۶۹	۹۹۳	۲۰۶۲	۵۵-۵۹ ساله
۸۲۲	۶۷۷	۱۴۹۹	۶۰-۶۴ ساله
۶۳۹	۷۱۳	۱۳۵۲	۶۵-۶۹ ساله
۵۶۴	۶۴۳	۱۲۰۷	۷۰-۷۴ ساله
۳۰۴	۴۲۳	۷۲۷	۷۵-۷۹ ساله
۲۳۴	۲۲۴	۴۵۸	۸۰-۸۴ ساله
۵۹	۳۳	۹۲	۸۵-۸۹ ساله
۲۱	۱۲	۳۳	۹۰-۹۴ ساله
۱۲	۶	۱۸	۹۵-۹۹ ساله
۱۵	۸	۲۳	۱۰۰ ساله و بیشتر
۴۷۲۸۶	۴۹۴۴۶	۹۶۷۳۲	جمع کل

## نمونه آماری:

با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران ۲۲۰ نفر از مردم ۱۵ تا ۶۰ ساله شوشتر که جمعیت آنها ۶۷۵۹۱ نفر است به صورت خوشه‌ای و سیستماتیک مورد پرسش قرار گرفته‌اند.

## روش نمونه‌گیری:

به علت پراکندگی جمعیت به صورت بختیاری‌ها، اعراب و شوشتری‌ها، همچنین نبود تقسیم‌بندی مناطق ناحیه‌ای در شهر نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای و سپس در داخل خوشه‌ها به صورت سیستماتیک انجام گرفت. بدین منظور شوشتر را به ۹ ناحیه تقسیم کردیم و از روی قرعه، ۴ منطقه را انتخاب نموده و پرسشگری انجام گرفت.

## اعتبار و روایی

در این تحقیق از دو نوع اعتبار صوری و اعتبار تجربی استفاده شد. در اعتبار صوری پرسشنامه توسط چند تن از اساتید جامعه‌شناسی بررسی قرار شد و نکات اصلاحی آنها در پرسشنامه قید گردید. روایی به بررسی قابلیت تکرار پذیری ابزار تحقیق می‌پردازد در این تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ به بررسی این امر پرداخته شده است. ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده در مورد مجموعه معرف‌های متغیرها بیانگر میزان روایی بالای تک تک متغیرهای سازنده ابزار تحقیق است.

## جدول (۲) روایی ابزار تحقیق

نام متغیر	میزان آلفای کرونباخ
مشارکت اجتماعی	۰/۷۹
تمایل به توسعه پایدار	۰/۸۶
سرمایه اجتماعی	۰/۸۱
جمع کل	۰/۸۳

## بررسی فرضیات

برای بررسی و آزمون فرضیات این تحقیق از تکنیک آماری، ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. متغیرهای مستقل و وابسته این پژوهش در سطح سنجش فاصله‌ای قرار دارند و ضریب همبستگی پیرسون برای این منظور مناسب است. فرضیه اول: بین میزان تحصیلات و تمایل به توسعه پایدار رابطه وجود دارد.

### جدول (۳) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تحصیلات و تمایل به توسعه پایدار

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری (دو سویه)
تحصیلات و تمایل به توسعه پایدار	.692**	.022

ضریب بدست آمده برای متغیر میزان تحصیلات و تمایل به توسعه پایدار برابر (۰/۶۹۲) با سطح معنی داری (P=۰/۰۲۲)، بیانگر رابطه مثبت و مستقیم بین دو متغیر مذکور است، به این معنا که با افزایش در سطح تحصیلات افراد، سطح تمایل آنها به پیشرفت و توسعه افزایش می‌یابد، چرا که افراد با تحصیلات بیشتر تمایل ذاتی بیشتری به مدرنیته و مظاهر توسعه‌ای آن دارند.

فرضیه دوم: بین سن افراد و تمایل به توسعه پایدار رابطه وجود دارد.

### جدول (۴) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن و تمایل به توسعه پایدار

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری (دو سویه)
سن و تمایل به توسعه پایدار	.144**	.043

نتایج جدول نشان می‌دهد که متغیر سن رابطه ضعیف، اما معنادار با متغیر وابسته دارد، به این معنا که با بالا رفتن سن تمایل به توسعه پایدار نمونه بهتر خواهد شد. ضریب پیرسون برای این متغیر برابر (۰/۱۴۴) با سطح معنی داری (P=۰/۰۴۳)، فرضیه فوق را تایید می‌کند.

فرضیه سوم: بین سرمایه اجتماعی و تمایل به توسعه پایدار رابطه وجود دارد.

**جدول (۵) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی و تمایل به توسعه پایدار**

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری (دو سویه)
سرمایه اجتماعی و تمایل به توسعه پایدار	.419**	.000

ضریب بدست آمده برای این متغیر برابر (۰/۴۱۹) و سطح معنی‌داری ( $P=۰/۰۰۰$ )، فرضیه فوق را تایید می‌کند، به این معنا که هر چه میزان سرمایه اجتماعی بالا باشد، تمایل به توسعه پایدار در شوشتر بیشتر خواهند شد و در نتیجه وضعیت مطلوبی را برای آینده شوشتر می‌توان متصور شد.

فرضیه چهارم: بین درآمد افراد و تمایل به توسعه پایدار رابطه وجود دارد.

**جدول (۶) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین درآمد و تمایل به توسعه پایدار**

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری (دو سویه)
درآمد و تمایل به توسعه پایدار	.514**	.000

نتایج بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب بدست آمده برای این دو متغیر برابر (۰/۵۱۴) و با سطح معنی‌داری ( $P=۰/۰۰۰$ )، نشان می‌دهد که در بین متغیرهای زمینه‌ای، درآمد بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته تمایل به توسعه پایدار داشته است.

فرضیه پنجم: بین سطح مشارکت اجتماعی افراد و تمایل به توسعه پایدار رابطه وجود دارد.

### جدول (۷) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سطح مشارکت اجتماعی افراد و تمایل به توسعه پایدار

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری (دو سویه)
سطح مشارکت اجتماعی افراد و تمایل به توسعه پایدار	.334**	.020

نتایج بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد. ضریب بدست آمده برای این دو متغیر برابر (۰/۳۳۴) و با سطح معنی داری (P=۰/۰۲۰)، است. به عبارت دیگر هرچه سطح مشارکت اجتماعی افراد بالا باشد میزان تمایل آنها به رشد و توسعه پایدار بیشتر خواهد شد. آمارهای جداول نشان می‌دهند که پنج فرضیه مذکور در سطح حداقل ۹۵ درصد تایید شده‌اند.

### نتیجه گیری

یکی از مسایل و معضلاتی که پیش روی برنامه‌ریزان منطقه‌ای وجود داشته رشد و توسعه نابرابر مناطق است به طوری که با نگاه به توزیع فضایی خدمات در مناطق مشخص می‌شود که این فعالیت‌ها به شکل متوازی توزیع نشده‌اند. همانطوری که روند توسعه یافتگی در کشورهای مختلف جهان دارای مراتب گوناگونی است در داخل کشور نیز روند توسعه یافتگی در بین استان‌ها و مناطق مختلف یکسان نیست. مسأله توسعه با توجه به ویژگی‌های آن ابعاد مختلفی دارد که این ابعاد از مسایل ذهنی تا مادی و فرهنگی، سیاسی و آموزشی را داراست. در حقیقت آموزش و پرورش اساسی‌ترین نقش‌ها را در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق ایجاد محیط و فرهنگ مناسب برای توسعه و تربیت نیروی انسانی ماهر و ایجاد شیوه‌های مدرن کسب، انتقال، گسترش توسعه دانش فنی و نظری در جهان توسعه یافته ایفا می‌کند. همچنین نتایج فرضیات تحقیق این مساله را تایید کرد، ضریب همبستگی مثبت (۰/۶۹۲) بین

سطح تحصیلات و توسعه پایدار گویای این واقعیت است که هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ آماری به اثبات رسیده است. از جمله معیارهای متداول برای بررسی توسعه پایدار منطقه‌ای و یا ناحیه‌ای، طبقه بندی و یا سطح بندی نواحی و یا شهرستان‌های کشور بر اساس میزان برخورداری از شاخص‌های مختلف است (زیاری و جلالیان، ۱۳۸۷: ۷۸). در کشورهای در حال توسعه از آن جایی که توسعه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به صورت یکسان صورت نگرفته است، در هر مقیاسی نابرابری‌های منطقه‌ای در این کشورها زیاد است و در زمینه شاخص‌های مختلف مناطق ویژه‌ای موقعیت ممتازتری نسبت به سایر مناطق دارند (گیلبرت و گاگر، ۱۳۷۵: ۵۹). تمایل به توسعه پایدار در این پژوهش با متغیرهایی چون: میزان مشارکت اجتماعی؛ درآمد، سن؛ سرمایه اجتماعی و تحصیلات به آزمون گذاشته شده است. در بحث آزمون فرضیات چون معیاری برای این که بدانیم شهرستان شوشتر توسعه یافته است یا خیر؟ آزمون‌ها بر پایه تمایل افراد به توسعه پایدار سنجیده شد که در این میان ضریب همبستگی معناداری را برای رابطه بین همه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته شاهد بودیم. شکست برنامه‌های تعدیل و تثبیت ساختاری و یا رویکرد موسوم به «اجماع واشنگتنی» در بسیاری از جامعه‌شناسان توسعه‌ای به این جمع‌بندی رسیده‌اند که بدون وجود ساخت قدرت و حکمرانی مناسب و سرمایه اجتماعی قوی نمی‌توان بنای اقتصاد قوی را پی گذاشت و نتایج این پژوهش گویاس اثبات رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه پایدار است. در همین راستا، بانک جهانی با کنار گذاشتن رویکرد تقلیل‌گرایی غالب به بررسی نقش نهادها در تحولات توسعه‌ای پرداخت. ابتدا گزارش توسعه جهانی ۱۹۹۷ را به «نقش دولت در جهان در حال تحول» اختصاص داد و در آن بر نقش نهادهای غیر بازاری در عملکرد اقتصادی تاکید، و سپس در سال ۱۹۹۹ مجموعه مقالاتی با عنوان «سرمایه اجتماعی: یک نمای چند وجهی» را منتشر کرد، که در آن به تاکید نقش سرمایه اجتماعی در تحولات توسعه‌ای پرداخت. بر همین اساس، در دهه‌های اخیر توجه به ابعاد اجتماعی و نهادی توسعه و رشد اقتصادی گسترش یافته است.

## منابع:

- ۱- از کیا، مصطفی. (۱۳۸۴). جامعه شناسی توسعه، نشر کیهان.
- ۲- از کیا، مصطفی. (۱۳۸۱). جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستاهای ایران. چاپ ششم. انتشارات اطلاعات.
- ۳- پیرانک، ژان، الحق، محبوب. (۱۳۸۰). گزارش لاهه پیش زمینه توسعه پایدار (از فکر تا عمل)، مجله محیط شناسی، شماره ۲۸.
- ۴- جوان، جعفر. (۱۳۸۳). جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۵- حسامیان، فرخ. (۱۳۵۸). وابستگی و شهرنشینی (مجموعه مقالات)، تهران.
- ۶- زیاری، کرامت الله، جلالیان، اسحاق. (۱۳۸۷). مقایسه شهرستان‌های استان فارس بر اساس شاخص‌های توسعه ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، بهار و تابستان.
- ۷- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۸- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۴). روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۲ و ۳.
- ۹- سانتوس دوس و همکاران. (۱۳۵۸). توسعه و توسعه نیافتگی، ترجمه فرخ حسامیان، نشر ایران
- ۱۰- سعیدی، عباس. (۱۳۷۷). مبانی جغرافیای روستایی، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۱- سهراب زاده، مهران. (۱۳۷۱). نقش سنت در توسعه، مجله توسعه و فرهنگ، ش ۲.
- ۱۲- عرب مازار، عباس، کشوری شاد، علی. (۱۳۸۴). بررسی اثر تغییر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۵.
- ۱۳- کلود شتلندورژان، ژان، شنه، کلود. (۱۳۸۰). جمعیت جهان، چالش‌ها و مسایل، ترجمه سید محمد سید میرزایی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.
- ۱۴- محلاتی، صلاح الدین. (۱۳۷۸). بعد فرهنگی توسعه به سوی رهیافتی علمی، از مجموعه فرهنگ و توسعه یونسکو، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۵- مفرت، ریچاردیو. (۱۳۷۶). راه‌های گوناگون توسعه اقتصادی، ترجمه دکتر احمد مجتهد،



انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

۱۶- مکنون، رضا و دیگران. (۱۳۷۶). تحقیقات و توسعه پایدار، فصلنامه رهیافت، زمستان.

۱۷- نراقی، یوسف. (۱۳۷۵). توسعه در کشورهای توسعه نیافته، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.

۱۸- هاین، ولفگانگ. (۱۳۷۴). کتابشناسی مدل‌های توسعه، ترجمه آرش برومند، تهران نشر خوارزمی

۱۹- هریسون، دیوید. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه، ترجمه دکتر علیرضا کلدی، ناشر دانشگاه علوم بهزیستی.

- 20- Anchorena, J. and F. Anjos (2008), Social Ties and Economic Development, Working Paper, Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract>.
- 21- Falk, I. (2000), "Human Capital and Social Capital: what is the Difference?" Adult Learning Commentary, Number 28.
- 22- Falk, I. and S. Kilpatrick (2000), "What Is Social Capital? A Study of Interaction in Rural Community," Journal of the European Society for Rural Sociology, Sociologia Ruralis, 40, 87-110.
- 23- Fedderke, J., R. De Kadt and J. Luiz (1999), "Economic Growth and Social Capital: a Critical Reflection," Theory and Society, 28, 709-745.
- 24- Fine, B. (2001), Social Capital versus Social Theory: Political Economy and Social Science at the Turn of the Millennium, Rout ledge, First Published.
- 25- François, P. (2002), Social Capital and Economic Development, Rutledge, First Published.
- 26- Grootaert, C. and T. Bastelaert (2002), The Role of Social Capital in Development, Cambridge: Cambridge Univ. Press.
- 27- Misra, R. P. and A. L. Mabogunje (1981), Regional Development Alternatives: International Perspectives, Tokyo: Maruzen Co. Ltd.
- 28- Qara-Baghian, M. (1993), Growth and Development Economics, Vol. 1-2, Tehran: Ney Publications.
- 29- Renani, M. (2002), "Social Capital and Economic Growth: A Presentation of Theoretical Pattern," Journal of Humanities, Isfahan, 21 (2), 129-148.
- 30- Renani, M., M. Emadzadeh, R. Moayedfar (2006-2007), "Social Capital Decline, Rationality Crisis and Plan Refusal in Iran," Aftab Monthly, 16, 26-35.
- 31- Svendsen, G. L. H. and G. T. Svendsen (2000), "Measuring Social Capital: the Danish Co-Operative Dairy Movement," Sociology Ruralis, 40 (1), 72-86.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتمال جامع علوم انسانی